

بررسی‌ها و یافته‌ها را به‌طور مفصل در این مقاله بررسی می‌کنیم.

در این مقاله به بررسی و تحلیل ساختار و مبانی حقوق اساسی در ایران می‌پردازیم. در ابتدا به بررسی مفهوم حقوق اساسی و اهمیت آن در نظام سیاسی می‌پردازیم. سپس به بررسی مبانی حقوق اساسی در ایران می‌پردازیم. در ادامه به بررسی ساختار حقوق اساسی در ایران می‌پردازیم. در پایان به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

نقش مدل‌سازی علمی در پیاده‌سازی

برخی از اصول قانون اساسی: مورد اصل نهم

چکیده: بررسی‌های علمی در حوزه‌های مختلف متضمن نوعی الگوسازی یا مدل‌سازی از پدیده مورد مطالعه است (۱). این الگوسازی ساختار منطقی و مهم پدیده را حفظ و زوائد غیرضروری را حذف می‌نماید و بدین ترتیب امکان ارائه تفسیری شفاف از پدیده را به وجود می‌آورد. پیاده‌سازی اصول قانون اساسی به‌طور کلی نیز نیازمند مدل‌سازی است تا امکان رفع ابهام و عرضه شفاف آنها به وجود آید (۲). برخی از مفاهیم به کار گرفته شده در قانون اساسی جمهوری ایران ابهام ذاتی دارند، مفاهیمی مانند آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی. با این حال گریزی از به‌کارگیری این مفاهیم علی‌رغم ابهاماتشان نیست (۳). در این مقاله اصل نهم قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفته و ساختار لازم برای پیاده‌سازی آن ارائه می‌گردد. در این مدل‌سازی نشان داده می‌شود که می‌توان شانزده مدل یا الگوی مختلف از اصل را ارائه نمود. در این مدل‌سازی‌ها ما از نظریه سازمان، منطق کلاسیک و منطق فازی (۴) استفاده خواهیم کرد.

واژگان کلیدی:

مدل‌سازی منطقی، اصل نهم قانون اساسی، رابطه آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی،

نظریه سازمان، نظریه فازی.

۱. مدل‌ها و فرایند مدل‌سازی

اگرچه برای مفهوم «مدل» همانند مفاهیم مهم دیگر همچون «نظریه» تعاریف متعددی ارائه شده است، اما نمی‌توان در هیچ حوزه‌ای اقدام به مطالعه، تحلیل و طراحی کرد مگر اینکه این اقدام ما در بستر و در چارچوب خاصی انجام پذیرد که به آن مدل‌سازی می‌گوییم. مدل‌سازی البته اشکال مختلفی دارد و می‌تواند اشکال جدیدتری را هم پیدا کند، با این حال این اشکال مختلف را می‌توان به صورت یک طیف در نظر گرفت به طوری که یک طرف آن را مدل‌های ذهنی^۱ تشکیل دهند و طرف دیگر را مدل‌های ریاضی بسازند.

مدل ذهنی در واقع برداشت یا تفسیر ما از وقایع اطراف ماست و ما در گفتگو با یکدیگر بخشی از این مدل‌های ذهنی خود را مبادله می‌کنیم. مدل‌ها می‌توانند به صورت نوشتاری^۲ باشند که معمولاً ساختار سامان یافته‌تری را نسبت به مدل‌های ذهنی دارند و به کارگیری آنها امکان تفاهم و مبادله معنادار را بالا می‌برند.

همچنین مدل‌ها می‌توانند نموداری یا تصویری باشند که در این صورت دارای انواع مختلف هستند نهایتاً مدل‌ها می‌توانند به صورت متعالی خود به صورت ریاضی ساخته و پرداخته شوند. حرکت از مدل‌های ذهنی به سوی مدل‌های ریاضی، حرکت از ابهام به شفافیت است. البته در هر حوزه‌ای روش‌های خاصی برای مدل‌سازی مرسوم است. مثلاً در حوزه شعر و ادبیات مدل‌های بیانی و یا نوشتاری غالب هستند، در حالی که در حوزه فیزیک مدل‌های ریاضی مرسوم هستند. در هر نوع مدل‌سازی مفاهیم کلیدی وجود دارند که مدل‌سازی به کمک آن مفاهیم انجام می‌گیرد چنانچه مثلاً در مدل نیوتنی $F = ma$ نیرو، جرم و شتاب سه مفهوم کلیدی مرتبط می‌باشند. این مفاهیم ابزارهای مدل‌سازی ما در فیزیک نیوتنی هستند. مدل این مزیت مهم را دارد که ابهام کمتری دارد و نیز انتقاد از آن امکان‌پذیرتر است. بدین خاطر ما در این جا می‌خواهیم نقش مدل‌سازی علمی را در پیاده‌سازی یکی از اصول قانون اساسی یعنی اصل نهم مورد توجه قرار دهیم.

ما در این مدل‌سازی از مفاهیم کلیدی نظریه سازمان^۱ که عبارت از مفهوم سلسله مراتب^۲ یا ارتباط طولی^۳ است و نیز ارتباط عرضی^۴ استفاده می‌کنیم و همچنین در این مدل‌سازی از اتصال دهنده‌های مفاهیم^۵ در منطق کلاسیک دوتایی و منطق فازی استفاده خواهیم کرد. بدین ترتیب، در اصل نهم مفاهیم کلیدی را شناسایی کرده و نوع اتصال آنها را با هم بررسی می‌کنیم و سپس امکان ارائه ساختار پیاده‌سازی این اصل را پیشنهاد خواهیم کرد.

فرایند مدل‌سازی را با ملاحظه مفاد اصل نهم به شرح زیر آغاز می‌کنیم (۵):
 در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی و تمامیت قضا و تمامیت کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال، تمامیت ارضی، تمامیت قضا، تمامیت کشور، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور به آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

چنانچه از مفاد اصل بر می‌آید، پیوند جالب توجهی بین چند مفهوم کلیدی برقرار گردیده است. اما این مفاهیم کلیدی کدام مفاهیم هستند؟ به نظر می‌رسد با حذف زوایدی که در توضیح نوشتاری وجود دارد بتوان روی چهار مفهوم توافق کرد. این چهار مفهوم عبارتند از: مفهوم آزادی، مفهوم استقلال، مفهوم وحدت و تمامیت ارضی و نهایتاً مفهوم تفکیک ناپذیر بودن. اما در اینجا چند نکته لازم است که توضیح داده شوند. اولاً در مورد مفهوم آزادی باید توجه داشت که به نظر می‌رسد آزادی به مفهوم مدنی آن و نیز آزادی به مفهوم آزادی از سلطه بیگانگان هر دو در قانون اساسی به کار گرفته شده است. در این جا سؤالی که مطرح می‌گردد این است که منظور از آزادی در اصل نهم کدام آزادی است؟ ما در اینجا تعریفی از آزادی را مورد توجه قرار می‌دهیم که مطابق با ارزیابی یکی از صاحب نظران علم حقوق به شرح زیر است:

1. Organization theory.

2. Hierarchy.

3. Vertical relations.

4. Horizontal relation

5. Connectives.

«در قانون اساسی جمهوری اسلامی هر وقت آزادی مدنی مطرح است با این مفهوم اضافه کردن صفت مشروع آن را مقید ساخته‌اند و هر وقت واژه آزادی بدون قید بدون قید مشروع به کار رفته، منظور آزادی از سلطه خارجی است و در نتیجه با مفهوم استقلال یکی است و نمی‌تواند به عنوان یک مفهوم یا متغیر مستقل از استقلال در نظر گرفته شود» (۶).

بدین ترتیب با استفاده از مفاد اصل نهم ما می‌توانیم آزادی مشروع را اولین مفهوم کلیدی و مستقل خود در فرایند مدل‌سازی در نظر بگیریم و البته صفت مشروع ذاتی مفهوم آزادی در نظر گرفته می‌شود. نکته دوم در مورد استقلال است که البته ابهام کمتری دارد. البته با توجه به توضیحات پایانی اصل نهم معلوم می‌شود که منظور از استقلال صرفاً استقلال سیاسی کشور نیست بلکه جنبه فرهنگی، اقتصادی و نظامی استقلال هم مورد ملاحظه خیرگان قانون اساسی بوده است. بنابراین ما مجموعه مفاهیم استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را با هم و به صورت فشرده به عنوان دومین مفهوم کلیدی در فرایند مدل‌سازی در نظر می‌گیریم.

نکته سوم در مورد وحدت و تمامیت ارضی کشور است. ما البته در فرایند مدل‌سازی مایلیم هر چه بیشتر ساده‌سازی کنیم اما ساده‌سازی‌هایی که موجب حذف مفاهیم اصلی نگردند. اینک سؤالی که مطرح است این می‌باشد که آیا وحدت یک مفهوم مستقل و تمامیت ارضی مفهوم مستقل دیگری است و یا هر دو یک مفهوم را می‌رسانند؟ این بحث البته حقوقی است. تکرار مفاهیم در عبارات پایانی اصل نهم را اگر مورد ملاحظه قرار دهیم معلوم می‌شود که مفهوم وحدت تکرار نشده ولی مفهوم تمامیت ارضی تکرار شده است. با این حال آیا «وحدت به معنای تفاهم و همگرایی مردم است و ملازمه‌ای با تمامیت ارضی ندارد؟» (۷) به نظر می‌رسد اگر وحدت را علی‌رغم تکرار نشدن در عبارات پایانی اصل نهم مستقل از تمامیت ارضی بگیریم آن‌گاه ما با دو مفهوم مستقل و دو متغیر مستقل سروکار خواهیم داشت. در عین حال مشابه تعدد ابعاد استقلال که ما برای سادگی شکل فشرده آن را مورد ملاحظه قرار دادیم در اینجا هم وحدت و تمامیت ارضی را یک مفهوم مستقل در نظر می‌گیریم، اگرچه مجدداً یادآوری می‌کنیم که با توجه به ابعاد حقوقی مربوط امکان تجزیه به دو متغیر مستقل هم وجود خواهد داشت و

مشکلی ایجاد نخواهد کرد. بدین ترتیب، به سراغ آخرین مفهوم کلیدی در اصل نهم می‌آیم. این مفهوم تفکیک‌ناپذیری است. ما می‌خواهیم بدانیم تفکیک‌ناپذیر بودن آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی به چه معنایی است و چگونه تجلی می‌یابد. آیا می‌توان تفکیک‌ناپذیر بودن را با مفهوم واو منطقی (عطف ترکیبی) در منطق کلاسیک معادل گرفت؟ این سؤالی است که پاسخ به آن ما را با مدل‌ها و الگوهای متفاوتی مواجه می‌سازد، چنانکه شانزده مدل مختلف را اینک می‌خواهیم مورد بررسی قرار دهیم. این مدل‌ها را می‌توان به دو دسته مدل‌های عرضی و مدل‌های طولی تقسیم کرد به طوری که بررسی مدل‌های عرضی موضوع بخش بعدی این مقاله است.

۲. بررسی مدل‌های عرضی

با توجه به اینکه آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی سه مفهوم مستقل از یکدیگر در نظر گرفته شده‌اند نمی‌توان از یکی دیگری را انتزاع کرد. با این حساب هیچ‌کدام از این سه مفهوم، زیر مجموعه مفاهیم دیگر نخواهند بود. البته این به معنای این نیست که این سه مفهوم با هم اشتراکی نمی‌توانند داشته باشند ولی در عین حال سه ماهیت متفاوت، متمایز و مستقل از یکدیگر را می‌سازند. در محاوره ما معمولاً این‌گونه تمایز مفاهیم را در نظر می‌گیریم. مثلاً هنگامی که از ایرانی مسلمان صحبت می‌کنیم، ایرانی بودن را مستقل از مسلمان بودن در نظر می‌گیریم. با این حساب استقلال مفاهیم نسبت به یکدیگر یکی از فرضیات اساسی مدل‌سازی ما می‌باشد.

فرض دیگری که می‌خواهیم در نظر بگیریم این است که مفاهیم ما از نوع همه یا هیچ (یک یا صفر) هستند. به بیان دیگر، وقتی در موردی از حفظ استقلال کشور صحبت می‌کنیم منظورمان این است که یا استقلال به طور کامل حفظ می‌شود و یا به هیچ وجه حفظ نخواهد شد و بنابراین حد میانه‌ای در این نگرش وجود ندارد! اما چرا ما باید فرض کنیم مفاهیم ما از نوع مفاهیم همه یا هیچ هستند؟ علت این است که در عبارات مربوط به اصل نهم ما می‌بینیم که عبارت «کمترین خدشه» مورد توجه قرار گرفته است. با این حساب در این چارچوب ما نمی‌توانیم به عنوان مثال وحدت و تمامیت ارضی را

مهم‌تر از آزادی مشروع در نظر بگیریم و یا به حاکمیت یکی بر دیگری قائل باشیم چرا که در غیر این صورت، به مفاهیم خود درجه اهمیت داده‌ایم و در این صورت طبیعت مفاهیم را از حالت صفر و یک خارج کرده‌ایم.

همچنین توجه دارید که توضیحات پایانی اصل نهم وجود هر نوع حاکمیت یک مفهوم بر دیگری را نفی کرده است و بنابراین مثلاً نمی‌توان استقلال را بر آزادی مشروع حاکمیت داد و یا تمامیت ارضی را بر آزادی حاکمیت بخشید. در نظریه سازمان وقتی بخش‌های مختلف در چنین وضعیتی قرار می‌گیرند می‌گوئیم روابط افقی قدرت بین آنها برقرار شده است.

بدین ترتیب فرایند مدل‌سازی بالا ما را به مدل عرضی اصل نهم چنانکه در شکل ۱ دیده می‌شود می‌رساند. در این مدل فرضیات زیر مورد ملاحظه بوده است:



شکل ۱. مدل عرضی اصل نهم

الف. سه مفهوم کلیدی در اصل نهم موجود است که عبارتند از آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی.

ب. مفاهیم بالا مفاهیم مستقل از یکدیگر هستند.

ج. طبیعت هر یک از مفاهیم طبیعی صفر و یک است.

د. اتصال بین مفاهیم از نوع اتصال عطف ترکیبی یا واو منطقی است.

حالا اگر مفهوم آزادی مشروع را با A، استقلال سیاسی اقتصادی فرهنگی نظامی را با E و وحدت و تمامیت ارضی را با V نشان دهیم و نیز اتصال از نوع واو منطقی را با * نشان دهیم آنگاه مدل عرضی اصل نهم که همان مدل اول ما باشد را می‌توانیم به صورت

$A * E * V$ ساده‌سازی و فرموله کنیم. در این صورت $A * E * V$ معادل منطقی اصل نهم خواهد شد. به بیان دیگر، فشرده همه اطلاعاتی که اصل نهم می‌خواهد به ما بدهد در فرمول منطقی، شفاف و بدون ابهام $A * E * V$ خلاصه شده است. چنانچه مشهود است این مدل بسیار روشن و بدون ابهام است و البته امکان پیاده کردن آن فراهم است.

۲-۱. ساختار تصمیم‌گیری مورد نیاز برای پیاده‌سازی مدل عرضی

برای بررسی ساختار تصمیم‌گیری اصل نهم مطابق با مدل اول سناریوی زیر را در نظر می‌گیریم: دولت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حوزه دریای خزر بنزروی نحوه تقسیم منابع و ذخایر دریایی به توافق مهمی دست یافته است. این توافق‌نامه مطابق با اصل ۷۷ قانون اساسی لازم است به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد (۸). اینک مجلس شورای اسلامی مایل است به بررسی این توافق‌نامه از زوایای مربوط به سه مفهوم آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی پردازد. توجه دارید که قاعده‌تاً مجلس نمی‌تواند در یک بررسی اجمالی از نمایندگان استعلام نماید که آیا توافق‌نامه پیشنهادی با مفاد اصل نهم می‌خواند یا خیر، چرا که در این صورت الگوی عرضی مدل‌سازی شده مطابق شکل ۱ مورد اعتنا قرار نگرفته است، چرا که همان‌طور که اشاره کردیم اصل نهم سه مفهوم مستقل و متمایز از یکدیگر دارد. با این حساب در مطابقت با مدل عرضی بالا سه سؤال به شرح زیر قاعده‌تاً باید مورد توجه نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرار گیرد:

۱. آیا این توافق‌نامه استقلال جمهوری اسلامی ایران را خدشه‌دار نمی‌کند؟

۲. آیا این توافق‌نامه آزادی‌های مشروع جمهوری اسلامی ایران را خدشه‌دار

نمی‌کند؟

۳. آیا این توافق‌نامه وحدت و تمامیت ارضی ایران را خدشه‌دار نمی‌کند؟

تنها در صورتی که پاسخ نمایندگان به هر سه سؤال بالا منفی باشد می‌توان تصور کرد

که توافق نامه از نظر تطابق با مفاد اصل نهم مورد تأیید مجلس شورای اسلامی قرار دادند. توجه داریم که در این ارزیابی هشت وضعیت ممکن (۲^۳) وجود دارد که تنها یک وضعیت آن قابل قبول است، چنانکه در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱

وضعیت	خدشه به آزادی	خدشه به استقلال	خدشه به وحدت و تمامیت ارضی	توافق نامه به تصویب می رسد
اول	خیر	خیر	خیز	می رسد
دوم	بلی	خیر	خیر	نمی رسد
سوم	خیر	بلی	خیر	نمی رسد
چهارم	خیر	خیز	بلی	نمی رسد
پنجم	خیر	بلی	بلی	نمی رسد
ششم	بلی	بلی	خیر	نمی رسد
هفتم	بلی	خیر	بلی	نمی رسد
هشتم	بلی	بلی	بلی	نمی رسد

ساختار تصمیم گیری فوق بدین معناست که حتی اگر نماینده ای معتقد به مستقل بودن و متمایز بودن این سه مفهوم نباشد (یا فرض ب را قبول نداشته باشد) و یا اگر سه مفهوم را از نوع مفاهیم صفر و یک نداند (فرض ج)، باز هم به خاطر تقید به قانون اساسی لازم است در مورد هر کدام از این سه مفهوم جداگانه به اظهار نظر پردازد و جواب بلی و خیر بدهد. البته در عمل نمایندگان می توانند علاوه بر جواب بلی و خیر رای ممتنع بدهند اما معمولاً بسته به مورد رأی ممتنع به یکی از دو حالت بلی یا خیر تقلیل می یابد. این به خاطر این است که در مدلی که ما از اصل نهم به صورت شکل ۱ پیشنهاد کرده ایم الزاماتی را به دنبال خود آورده است که در ساختار تصمیم گیری بالا متجلی خواهد شد. با این حساب ساختار تصمیم گیری نشان دهنده نظریه ای است که متکی بر آن نظریه (مدل) ساختار طراحی شده است. پس اگر ما فکر کنیم مفاهیم آزادی، استقلال و

وحدت و تمامیت ارضی مفاهیمی مبهم، پیچیده، چند بعدی و غیر دقیق هستند نمی‌توانیم در هنگام ارزیابی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهیم ارزیابی خود را به صورت روشن، ساده، یک‌بعدی و دقیق بیان نمایند و به صورت بلی و خیر جواب دهند و این علی‌رغم این واقعیت است که در بسیاری از اوقات تشخیص اینکه توافق‌نامه مورد نظر به استقلال، آزادی یا وحدت و تمامیت ارضی ما خدشه وارد می‌کند یا خیر، تشخیصی بسیار پیچیده است و الزام نمایندگان به دادن پاسخ بلی و خیر خود می‌تواند موجب افزایش مشکلات شود.

اینک سؤال این است که چرا نتوان اجازه داد ارزیابی نمایندگان متناسب با طبیعت پیچیده پدیده تنظیم شود؟ این کار اگرچه در چارچوب منطق کلاسیک امکان‌پذیر نیست ولی در چارچوب منطق فازی که گسترش یافته منطق دو ارزش کلاسیک است (۹) به سهولت امکان‌پذیر است. مثلاً در نظر بگیرید نمایندگان مجلس بتوانند پس از ارزیابی در مورد استقلال جمهوری اسلامی یکی از نظریه‌های زیر را ابراز دارند:

۱. کاملاً مخالفم شدیداً با استقلال جمهوری اسلامی ایران در تعارض است.
 ۲. نمی‌توانم موافقت نمایم چرا که مسئله برایم روشن و شفاف نیست.
 ۳. به نظر نمی‌رسد آزادی داشته باشد پس موافقم.
 ۴. فکر می‌کنم خوب باشد.
 ۵. کاملاً موافقم.
- در این صورت نظریه‌های فوق را نمی‌توان در دو حالت بلی و خیر تقلیل داد بلکه چنانچه مشهود است این اظهارات یک طیف را می‌سازند که در یک طرف آن «کاملاً مخالفم» و در طرف دیگر آن «کاملاً موافقم» قرار داد و این به معنای این است که در ساختار تصمیم‌گیری و ارزیابی جدید جواب‌های بلی و خیر یا جواب‌های از نوع صفر و یک تنها بخشی از طیف و نه همه طیف را می‌سازند. اگر بخواهیم می‌توانیم این جواب‌های متنوع را به صورت عددی ترجمه کنیم و مثلاً مطابق با آنچه در جدول ۲ آمده است ارزیابی کنیم.

جدول شماره ۲

معادل عددی آن	نظریه نمایندگان
	کاملاً مخالفم
۰/۲۵	موافق نیستم
۰/۵۰	ایرادی ندارد
۰/۷۵	خوب است
۱/۰۰	کاملاً موافقم

تحت شرایط جدید رای گیری به سبک و سیاق فعلی قابل انجام نخواهد بود و باید طرحی نو در انداخته شود. چرا که در حال حاضر نمایندگان فقط می توانند جواب هایی از نوع صفر و یک بدهند و بنابراین امکان عملی برای بیان دقیق تری از ارزیابی خود را نخواهند داشت. به بیان دیگر ما نمایندگان را مجبور می کنیم، خود را در قالب های تنگ صفر و یک قرار دهد.

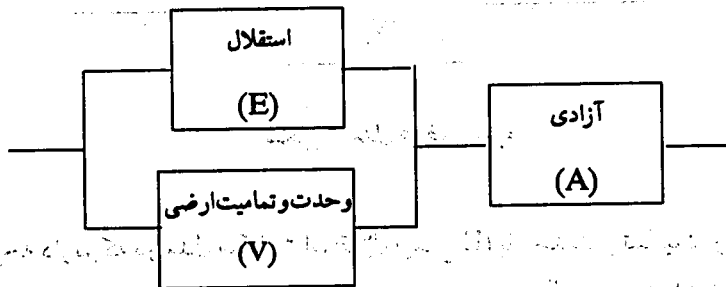
با این حساب عبور از منطق دوتایی صفر و یک به منطق چندتایی فازی امکان بیان دقیق تری را برای نمایندگان فراهم می آورد. با این حال این مزیت بزرگ در دسر جدیدی را هم برای ما فراهم خواهد آورد و آن اینکه دیگر ریاضیات ساده قدیمی، قابل استفاده نخواهد بود و ما مجبوریم ریاضیات جدیدی را جایگزین ریاضیات صفر و یک خود کنیم. اگر در ریاضیات قدیم اوا منطقی به سادگی امکان اتصال مفاهیم را برای ما به وجود می آورد، حالا می باید برای اتصال مفاهیم پیچیده و چند بعدی جدید از اتصال دهنده های مناسب آن استفاده کنیم (۱۰). مبحث مربوط به ریاضیات فازی در حال حاضر مورد نظر ما در این مقاله نمی باشد اما آنچه در هر صورت مسلم است این است که به کارگیری روش های جدید بار حقوقی متفاوتی را خواهد داشت که در جای خود نیازمند توجه و ملاحظه خبرگان حقوق است.

۲-۲. دیگر الگوهای عرضی

شکل ۱ نمایشی از یک الگوی عرضی بود. با این حال نمی توان بررسی را در همین

جا خاتمه یافته تلقی کرد، چرا که کافی است مختصری در مبانی نظری و فرضیات مدل تغییر ایجاد نماییم تا معلوم گردد که مدل‌های دیگری را هم می‌توان ایجاد کرد. مثلاً فرض کنید اصل نهم به صورت زیر درآید:

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال یا وحدت و تمامیت ارضی کشور... بدین صورت بین دو مفهوم استقلال و وحدت تمامیت ارضی یای منطقی (عطف فصلی) قرار گرفته باشد در حالی که در مفاد اصل نهم او قرار دارد. این تغییر باعث می‌شود سازمان اتصال‌دهنده سه مفهوم کلیدی ما به صورت شکل ۲ قابل توصیف گردد.



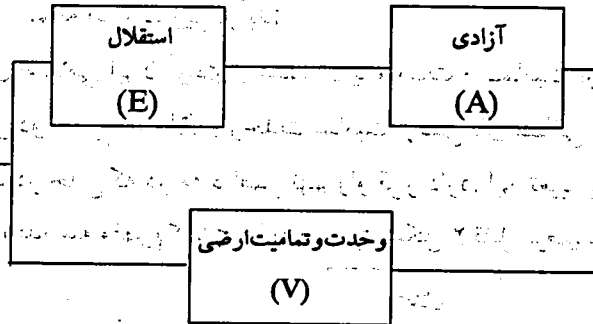
شکل ۲. مدل عرضی دوم. این مدل در واقع بیانگر این است که آزادی (A) نتیجه منطقی و ضروری از استقلال (E) و وحدت و تمامیت ارضی (V) است. این مدل در واقع بیانگر این است که آزادی (A) نتیجه منطقی و ضروری از استقلال (E) و وحدت و تمامیت ارضی (V) است.

مدلی که در شکل ۲ آمده است هنوز مدلی عرضی است اما با طرح شکل ۱ یک تفاوت بنیادی دارد، که این تفاوت را در معادل منطقی این مدل به صورت $A * (E + V)$ می‌توان مشاهده کرد. در این الگو * علامت واو منطقی و + علامت یای منطقی است. تفاوت بنیادی در این مدل بدین صورت است که اگر آزادی و استقلال حفظ شوند کافی به مقصود خواهد بود، در غیر این صورت باید حتماً آزادی و وحدت و تمامیت ارضی حفظ شوند. با این حساب از دو مدل $A * E$ و یا $A * V$ هر کدام برقرار باشند، منظور ما تأمین است.

اینک با ملاحظه اینکه مفاد اصل نهم به صورت نوشتاری و نه ریاضی - منطقی فرموله شده است می‌تواند ابهام‌زا باشد و رفع ابهام آن مستلزم انجام بررسی‌های حقوقی است.

ما همچنین می‌توانیم فرض کنیم منظور از عبارت تغییر داده شده اصل نهم معادل

منطقی دیگری دارد که می‌توان آن را به صورت $(A * E) + V$ مدل‌سازی کرد، چنانکه در شکل ۳ دیده می‌شود.



شکل ۳. مدل عرضی سوم

توجه داریم که در مدل شکل ۲ استقلال (یعنی E) با وحدت و تمامیت ارضی (یا V) ابتدا با یای منطقی به هم متصل شده‌اند سپس هر دو با آزادی (یا A) از طریق واو منطقی اتصال یافته‌اند. اگر بخواهیم با استفاده از پراتزی این عبارت را بازنویسی کنیم خواهیم داشت: (آزادی) و (استقلال یا وحدت و تمامیت ارضی)

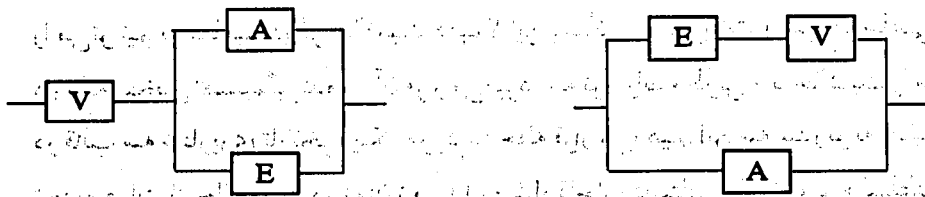
یا: (A) و (E یا V)
 یا: (A) * (V + E)
 و این همان مدل $A * (E + V)$ است که قبلاً مورد بررسی قرار دادیم. از طرف دیگر در مدل شکل ۳ همان عبارات را اگر به صورت پراتزی نمایش دهیم می‌رسیم به: (آزادی و استقلال) یا (وحدت و تمامیت ارضی).
 یا: (A و E) یا (V)
 یا: (V) + (E * A)

و این همان مدل ریاضی و منطقی $(A * E) + V$ است که قبلاً شاهد بودیم. با این حساب ترتیب ظاهر شدن کلمات در عبارت و تقدم و تأخر آنها موجب تولید مدل‌های ریاضی و منطقی متفاوتی می‌گردد، چنانکه در دو شکل ۲ و ۳ دیده شد.
 مطابق با الگوی شکل ۳ اگر وحدت و تمامیت ارضی کشور محفوظ بماند برای ما کافی

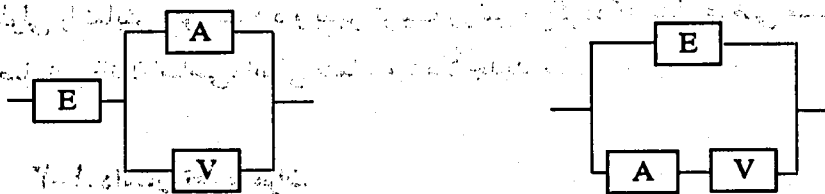
است. در غیر این صورت باید حتماً هم آزادی و هم استقلال به صورت توانمان محفوظ بمانند. البته مانعی ندارد که هر سه مفهوم رعایت شوند اما اگر حضور هر سه ممکن نیست آن‌گاه یکی از حالت توصیف شده در بالا از نظر قانونی الزام‌آور خواهد شد.

در صورتی که الگوی تصمیم‌گیری از شکل ۱ به الگوی تصمیم‌گیری در شکل ۲ و یا شکل ۳ تغییر یابد، آن‌گاه روشی که در جدول شماره ۱ برای پیاده‌سازی اصل مورد توجه قرار دادیم دیگر مناسب نخواهد بود و باید روش مناسب با الگو انتخاب و به اجرا گذاشته شود.

به همین ترتیب می‌توان شاهد چهار الگوی عرضی دیگر هم بود: این چهار الگوی جدید تنها با جابه‌جایی یک واو و یک یا در مفاد اصل نهم تولید می‌گردند و نشان‌دهنده حساسیت بسیار زیاد عبارات و علائم در مدل‌های نوشتاری مانند قانون اساسی می‌باشند. این چهار الگو را به صورت تصویری و به صورت ریاضی - منطقی در شکل ۴ نشان داده‌ایم و با توجه به توضیحات قبلی توضیح بیشتری را نمی‌طلبند.



مدل پنجم: $(E) + (A * V)$ مدل چهارم: $(E) * (A + V)$



مدل هفتم: $(E * V) + A$ مدل ششم: $V + (A * E)$

شکل ۴. دیگر مدل‌های عرضی

با این حساب یک جابه‌جایی ساده روی «واو» و «یا» و نیز ملاحظه ترتیب ورود کلمات در مفاد اصل نهم می‌تواند هفت الگوی مختلف را ایجاد نماید. این البته هنگامی

حاصل می‌گردد که ما از منطق دوتایی کلاسیک و ساختار عرضی استفاده کنیم و بدین ترتیب امکان ابهام زدایی از اصل نهم به وجود آید. به علاوه، در این مقاله به بررسی این موضوع در ادامه بحث خوب است الگوهای طولی را مورد ملاحظه قرار دهیم.

۳. بررسی مدل‌های طولی

منظور از الگوی مدل‌های طولی مدل‌هایی هستند که در آنها دو فرض استقلال مفاهیم از یکدیگر و فرض صفر و یک بودن مفاهیم سه‌گانه (دو فرض ب. و ج) کنار گذاشته شوند. بدین ترتیب ارتباطات افقی یا عرضی به ارتباطات عمودی یا طولی تبدیل می‌شوند.^۱ البته ارتباطات عمودی یا طولی ارتباطات سلسله‌مراتبی^۲ هستند. در موضوع مورد بحث ما، ارتباطات طولی هنگامی به وجود می‌آید که فرضاً استقلال اهمیت بیشتری را نسبت به آزادی و یا وحدت و تمامیت ارضی داشته باشد. بدین ترتیب یک مفهوم می‌تواند بر مفهومی دیگر حاکمیت یابد. اما در اینجا، کدام مفهوم را می‌توانیم بر مفاهیم دیگر حاکمیت دهیم؟ این بستگی به تجربیات و شرایط خاصی دارد که شخص تصمیم‌گیرنده در آن قرار می‌گیرد. سه نوع رابطه طولی و یا حاکمیت را ما در قالب سه سناریوی تاریخی اینک مورد ملاحظه قرار می‌دهیم. این سه سناریو به قضیه تجزیه هرات از خاک ایران در زمان ناصرالدین شاه قاجار، داستان مذاکرات قوام السلطنه در شوروی و جریان مبارزات نلسون ماندلا مربوط می‌شود. این سه سناریو سه مدل طولی را نمایش خواهند داد و بدین ترتیب روشن می‌گردد که مدل عرضی مستفاد از اصل نهم قانون اساسی، اصلی متمایز و کاملاً جدید است.

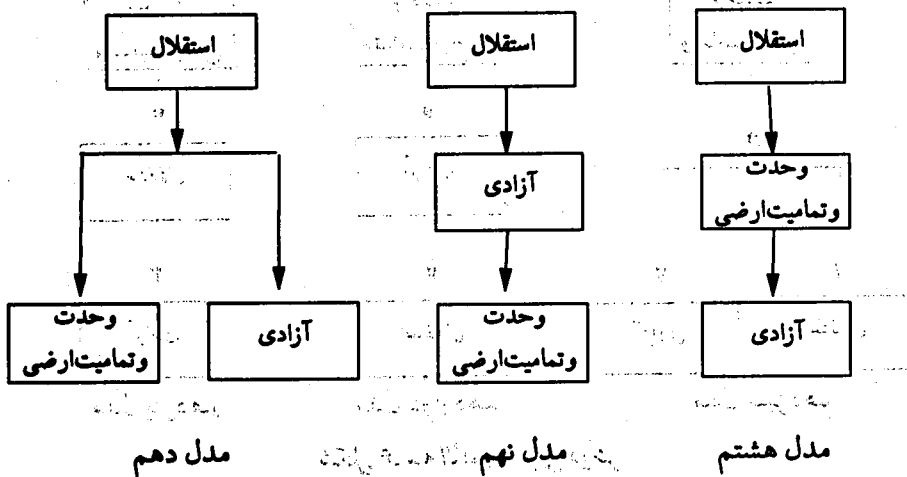
۳-۱. داستان تجزیه هرات

می‌توان فرض کرد مدل ذهنی ناصرالدین شاه قاجار در قضیه جدایی هرات از خاک ایران مطابق با الگویی بوده است که در آن استقلال بر وحدت و تمامیت ارضی اولویت، ارجحیت و یا حاکمیت داشته است. زیرا پس از اینکه دولت انگلستان تهدید به مداخله

1. Vertical power relationships.

2. hierarchical.

می‌نماید، ناصرالدین شاه می‌پذیرد که هزات رسماً از خاک ایران جدا شود و در مقابل استقلال سیاسی کشور حفظ گردد. این نگرش ما را به سوی الگوی مطرح در شکل ۵ می‌رساند (البته توجه دارید که مفهوم آزادی مطرح نبوده است و بیشتر رابطه دو مفهوم استقلال و وحدت و تمامیت ارضی مورد نظر می‌باشد ولی از آنجا که ما سه مفهوم را با هم بررسی می‌کنیم به سه مدل مطابق شکل ۵ می‌رسیم).

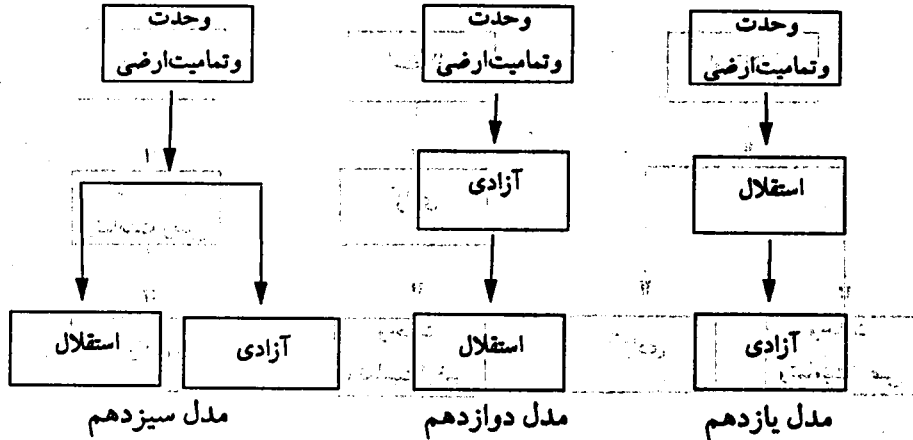


شکل ۵. سه الگوی طولی

۳-۲. داستان مذاکرات قوام السلطنه

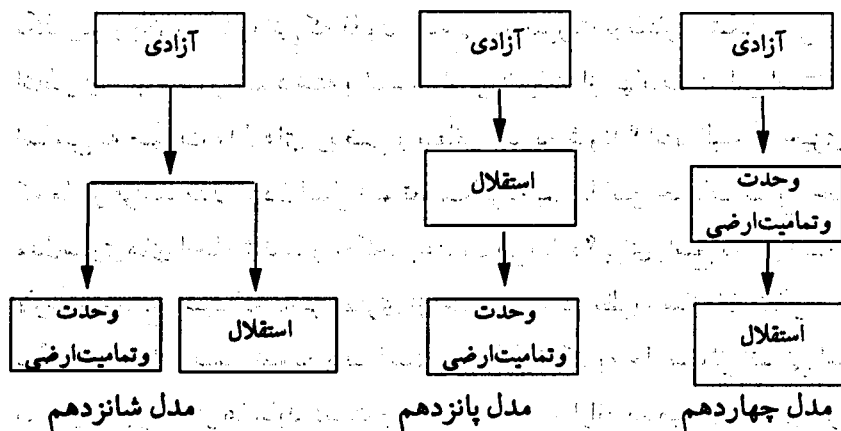
از طرف دیگر می‌توان مشاهده کرد که سیاستمداران دارای الگوهای متفاوت و مختص به خودی هستند و همه از یک ساختار مشخص تبعیت نمی‌نمایند. به عنوان مثال دیگر در قضیه اشغال خاک آذربایجان توسط نیروهای شوروی، قوام السلطنه نخست‌وزیر وقت دولت ایران به مسکو سفر می‌کند و در آنجا با استالین رهبر اتحاد جماهیر شوروی به مذاکره می‌پردازد. در این مذاکرات، امتیاز واگذاری نفت شمال (دریای خزر) به عنوان یک امتیاز اقتصادی به استالین واگذار می‌گردد و در مقابل استالین موافقت می‌کند که سربازان خود را از خاک ایران بیرون بکشد (۱۱). واگذاری امتیاز نفت شمال به دلیل اینکه باید به تصویب مجلس شورای ملی می‌رسید عملاً تحقق نمی‌یابد ولی سربازان شوروی طبق قرار خاک ایران را ترک می‌کنند. با این حال در یک نگرش، واگذاری

امتیاز نفت شمال نخدشه وارد کردن به استقلال اقتصادی ایران محسوب می‌گردد، اما در مقابل این صرف نظر کردن و امتیاز دادن ظاهراً وحدت و تمامیت ارضی ایران به دست آمده است. با این حساب شاید بتوان گفت در مدل ذهنی قوام السلطنه، وحدت و تمامیت ارضی از هر امر دیگری از جمله استقلال اقتصادی با اهمیت‌تر بوده است و بنابراین آن هر چه در تضاد و ناسازگاری با تمامیت ارضی کشور قرار گیرد قابل صرف نظر کردن است.



شکل ۶ سه الگوی طولانی دیگر

ما البته در اینجا در صلاحیت اظهار نظر تاریخی نیستیم و تنها مقصود ما نشان دادن این واقعیت است که مدل‌ها یا الگوهای ذهنی متفاوت هستند و این الگوها با آنچه از مفاد اصل نهم قانون اساسی مستفاد می‌گردد یکی نخواهد شد. در اینجا برای تقریب به ذهن بهتر شده الگویی که نگرش قوام می‌توانست از آنها برخاسته باشد در شکل ۶ نشان داده شده است. این الگوها در واقع نشان می‌دهند که در مدل‌های مختلف، اولویت‌ها و اهمیت‌ها متفاوت بوده است. در مدل سیزدهم، اولویت با تمامیت ارضی و وحدت است. در مدل دوازدهم، اولویت با آزادی است. در مدل یازدهم، اولویت با استقلال است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تغییر در نگرش و اولویت‌ها در طول تاریخ است. در دوران معاصر مبارزات طولانی مدت نلسون ماندلا و دوستان ایشان در آفریقای جنوبی بر علیه جدایی نژادی یا آپارتاید نمونه دیگری از مدل‌های ذهنی سیاستمداران را به نمایش می‌گذارد. برای ماندلا و دوستانش آزادی اکثریت سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی از یوغ حکومت، نژادپرست سفیدپوست اهمیت و اولویت زیادی داشته است و اگر قرار



شکل ۷. سه الگوی دیگر از ارتباط طولی مفاهیم سه گانه

بود که آفریقای جنوبی تقسیم شود، یعنی وحدت و تمامیت ارضی آفریقای جنوبی خدشه‌دار شود و مثلاً دو کشور سیاه پوست و سفیدپوست تشکیل گردد به نظر نمی‌رسد که نلسون ماندلا از آن طرفداری نمی‌کرد و مثلاً می‌گفت تمامیت ارضی بر آزادی سیاهان اولویت دارد. البته روشی که سیاه‌پوستان و سفیدپوستان آفریقای جنوبی پیش گرفتند موجب تفکیک و تقسیم نشد اما با این حال می‌توان این تصور را داشت که در این داستان آزادی بر دو مفهوم دیگر ارجحیت و حاکمیت دارد، چنانکه در سه الگوی شکل ۷ دیده می‌شود.

توجه دارید که مثلاً در الگوی چهاردهم اگر تعارضی بین آزادی و وحدت و تمامیت ارضی به وجود آید، این تعارض به نفع آزادی حل می‌شود و بدین ترتیب حاکمیت آزادی بر وحدت و تمامیت ارضی مطرح می‌گردد. به همین ترتیب در الگوی چهاردهم تعارض بین وحدت و تمامیت ارضی و استقلال به نفع وحدت و تمامیت ارضی مرتفع می‌گردد و این به دلیل نوع ارتباط طولی است که ما میان سه مفهوم کلیدی خود برقرار کرده‌ایم.

۴. بحث و بررسی

با توجه به شانزده مدلی که از اصل نهم ارائه گردید، آیا می‌توان نتیجه گرفت که خبرگان قانون اساسی، اصلی مبهم را بر جای گذاشته‌اند؟ آیا باید یک قدم فراتر هم

بگذاریم و بگویم تا زمانی که قانون اساسی به صورت نوشتاری شکل می‌گیرد باید انتظار این ابهامات را هم داشته باشیم و راه برون رفت از ابهامات در این است که قانون اساسی به صورت مدل‌های ریاضی و منطقی تدوین شوند؟ اینها البته آن چیزی نیست که ما در فرایند مدل کردن اصل نهم تعقیب کرده‌ایم. با این حساب نتایج حاصل از مدل‌سازی‌های انجام شد ما را به کجا رهنمون می‌سازد؟ برای پاسخ به این نکته اساسی لازم به توضیح است که دانش بهتری از جمله آنچه در نظریه سازمان، نظریه منطبق و دیگر نظریه‌های علمی تدوین یافته است به منظور کمک به حل مسائل انسانی است و به هیچ وجه این دانش‌ها نباید دست و پای انسان را در ارائه مفاهیم جدید و مورد نیاز ببندند. بنابراین به نظر می‌رسد خبرگان قانون اساسی با توجه به تجربیات تاریخی خود به اهمیت مفاهیم آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی چنان پی برده بودند که تفکیک‌ناپذیر بودن این مفاهیم را نسبت به یکدیگر در قالب اصل نهم آورده‌اند. حالا اگر ما بتوانیم این تفکیک‌ناپذیری را تعریف کنیم. آنگاه امکان پیاده کردن آنچه مورد نظر خبرگان بوده فراهم شده است و این منظوری است که در این مقاله دنبال کرده‌ایم.

همانند مفاهیم آزادی، استقلال و... بسیاری از مفاهیم دیگر هم هستند که به اصطلاح مفاهیم فازی و غیردقیق هستند و ما یاد گرفته‌ایم که با این مفاهیم کنار بیاییم و آنها را در خدمت خود بگیریم. مثلاً مفهوم بلند قد بودن را در نظر می‌گیریم. آیا می‌توان بلند قد بودن را به طور دقیق تعریف کرد؟ مثلاً بگویم اگر شخص از ۱۷۵ سانتی متر بلندتر باشد بلند قد است و اگر کمتر باشد بلند قد نیست. آیا ما در محاورات خود این‌گونه برخورد می‌کنیم؟ روشن است که گذاشتن اندازه دقیق مانند ۱۷۵ سانتی‌متر کاری بیهوده و غیرعملی است ولی با وجود غیردقیق بودن ذاتی مفهوم بلندقدی ما مشکلی با آن نداریم! علت این است که برای ما ایرانی‌ها، با توجه به تجربیات خود از یکدیگر، بلندقد بودن تعریف شده است. حالا وقتی یک نفر ایرانی به چین مسافرت می‌کند به نظر او می‌رسد که چینی‌ها همگی کوتاه‌قد هستند زیرا با معیاری که او در ذهن خود انتزاع کرده است چینی‌ها نمی‌توانند بلندقد باشند. اما آیا چینی‌ها هم این‌طور فکر می‌کنند، یعنی در میان خود مفهوم بلندقدی و کوتاه‌قدی ندارند؟ البته این‌طور نیست. نکته در اینجا است که بین ایرانی و چینی مفهوم بلندقدی یکسان نیست اگرچه هر دو از این مفهوم غیردقیق و

فازی استفاده می‌کنند. همین قضیه در مورد مفاهیم آزادی و استقلال و غیره هم مطرح است. افراد می‌توانند برداشت‌های گوناگونی داشته باشند. در واقع شانزده مدلی که در این مقاله مطرح شد به خوبی نشان‌دهنده تنوع دیدگاه‌هاست. اما آیا ما نباید از آنچه اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد بگوید تفسیر یکسانی داشته باشیم، همان‌گونه که از مفهوم فازی بلندقدی نسبتاً تفسیر عملیاتی و مفیدی داریم. به خصوص با توجه به اینکه قانون اساسی قاعداً تنظیم‌کننده اصلی امورات اداره کشور است اهمیت داشتن تفسیر یکسان از اصول آن حتی از مفاهیم روزمره همچون بلندقدی هم بیشتر می‌گردد.

ملاحظه سه سناریوی مربوط به قضیه هرات، قوام السلطنه و نلسون ماندلا نمونه‌های تاریخی بودند که تنوع دیدگاه‌ها را نشان می‌دهند. می‌توان در منابع تاریخی جستجوی بیشتری کرد و برای دیگر مدل‌های توصیف شده هم نمونه‌های تاریخی یافت. در این صورت شانزده مدلی که در اینجا مطرح گردید می‌تواند نشان‌دهنده شانزده طرز تفکر در ارتباط با مفاهیم سه‌گانه ما باشد. اما چه باید کرد؟ آیا اگر در قانون اساسی مشروطیت اصلی مشابه اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موجود بود، باز هم قوام می‌توانست به صورتی که عمل کرد عمل نماید؟ این را ما باید بتوانیم پاسخ دهیم، چراکه این وضعیت می‌تواند برای امروز ما پیش آید. برای این کار باید این مفاهیم روشن و شفاف باشند. باید اصل نهم شفاف باشد تا در عمل بتواند پیاده شود و راهنمای عمل قرار گیرد. منظور ما فراهم کردن زمینه این رفع ابهام است. اینک می‌توان مدل‌های مختلف را مورد ملاحظه قرار داد و آنگاه نتیجه گرفت که کدام مدل منظور طراحان اصل نهم قانون اساسی بوده است (۱۲) این البته در تخصص نویسنده نیست که بگوید کدام تفسیر و یا کدام مدل صحیح است اما می‌توان با توجه به فرضیاتی که برای مدل عرضی (شکل ۱) مطرح گردید یعنی فرض استقلال مفاهیم، فرض صفر و یک بودن مفاهیم و نیز فرض اینکه تفکیک‌ناپذیری به معنای عطف ترکیبی در منطق کلاسیک است، آنگاه اولین مدل ارائه شده را می‌توان تفسیر مورد نظر خبرگان قانون اساسی تلقی کرده و براساس آن در عمل اقدام نمود.

۵. نتیجه گیری

قانون اساسی معمولاً اهداف و آرمان‌ها و ساختارهای اساسی که نظام سیاسی برای رسیدن به اهداف و آرمان‌ها باید به کار گیرد و چگونگی تعامل قوای کشور را تصویر می‌کند. تعارضات و اختلافات به ناچار به قانون اساسی بازگردانده و حل می‌شوند. برای اینکه قانون اساسی بتواند در این ظرفیت، کارکرد داشته باشد نیازمند انجام نوعی مدل‌سازی است تا امکان انطباق شفاف آموز کشور با قانون اساسی فراهم گردد. مزیت مدل‌ها در شفاف بودن آنهاست و هرچه این مدل‌ها به سوی مدل‌های منطقی و ریاضی نزدیک‌تر شوند شفافیت آنها فزون‌تر می‌گردد (۱۳).

به بیان دیگر، مواد و اصول قانون اساسی باید به سنت‌های اساسی تبدیل گردند و برای سنت شدن، تفاهم و هم‌گرایی لازم است. در این ارتباط مفاهیم مهم و جدید را می‌توان در چارچوب روش‌های علمی و مدل‌سازی علمی تبیین نموده و شفاف کرد. ما در این مقاله نحوه پیاده‌سازی اصل نهم قانون اساسی را مورد توجه و بررسی قرار دادیم و با توجه به مفروضات مختلف شانزده الگوی متفاوت را شناسایی و بررسی کردیم. ما در این مدل‌سازی‌ها از مفاهیم و تکنیک‌های موجود در نظریه سازمان و منطق کلاسیک و فازی بهره بردیم. امید می‌رود مجموعه این مطالعات راه را برای پیاده‌سازی اصول قانون اساسی بهتر فراهم سازد.

یادداشت‌ها:

۱. لودیگ فون برتالنفی، نظریه عمومی سیستم‌ها، ترجمه دکتر کیومرث پریانی (نشر تندر، ۱۳۶۲).
 ۲. محمدعلی صنیمی منفرد، رساله‌ای در تثبیت و کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، در دست انتشار، دانشگاه الزهرا.

۳. محمد شریف، «حقوق ملت در کشاکش واژه‌های بی‌تعریف»، روزنامه صبح امروز (چهارشنبه ۱۳۷۷/۱۱/۲۱).

۴. محمود طاهری، نظریه فازی، (مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵).

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (چاپ پنجم، تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور، نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵).

۶. نتایج داوری مقاله، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (مکاتبات).

۷. نتایج داوری مقاله، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (مکاتبات).
۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (چاپ پنجم، تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور، نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵).
۹. محمود طاهری، نظریه فازی، (مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵).
۱۰. گرزگوز مالینوسکی، منطقهای چند ارزشی، مترجم دکتر اسفندیار اسلایی (انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۷۶).
۱۱. باقر عاملی، میرزا احمد خان قوام‌السلطنه (تهران: انتشارات جاویدان: بی‌تا).
۱۲. آنچه در ارتباط با اصل نهم قابل تذکر است اینکه آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور هم‌عرض هم قرار داده، در حالی که اینها از پایه‌های آزادی، استقلال به شمار می‌روند، مقاله «مطبوعات و امنیت ملی»، دو هفته‌نامه عصر ما، شماره ۱۰۷ (چهارشنبه ۱۳/۷/۱۳۷۷).
۱۳. محمدعلی صنیعی منفرد، «توسعه مفهوم جمهوری اسلامی در منطق فازی»، فصلنامه پژوهش‌نامه پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجموعه دین‌پژوهی، در دست انتشار تیر ماه ۱۳۸۰.

۱۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔

۲۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔

۳۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔

۴۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔

۵۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔

۶۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔

۷۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔

۸۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔

۹۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔

۱۰۔ اگر کوئی شخص نے کسی اور کو بتایا کہ میں نے اللہ سے کہا کہ تم کو عذاب دے دو تو وہ شخص کو عذاب دیا جائے گا۔